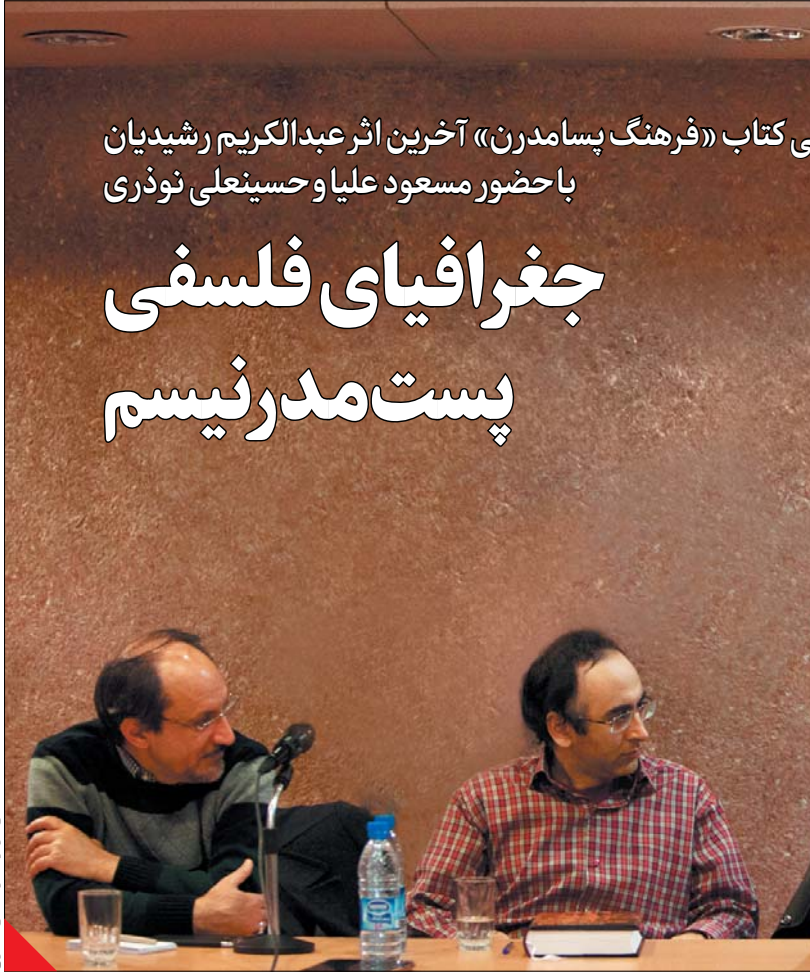


یکشنبه ۲۱ دی ۱۳۹۳ • سال دوازدهم • شماره ۲۲۰۸ • ۹	
روزنامه	
اندیشه	
کاشی دربرابری درکشوری نابرابر	صفحه ۱۰
سیاست‌های بازتوزیع برای زندگی انسانی کافی نیست	صفحه ۱۰
شارلی بودن یا نبودن، مساله این است!	صفحه ۱۲

بررسی	
پسامدرن در متن آثار رشیدیان	
	
امر پست‌مدرن را در مجموع می‌توان پیچیده، وسیع و متنوع دانست و البته تا حدودی غیرقابل تعریف. در شرایطی که مدرن‌ها در فضای عقل روشنگری متولد و حمایت می‌شدند، پست‌مدرن‌ها عقل روشنگری را جزم‌گرا و مهیا برای بارور ساختن ایدئولوژی تمامیت‌خواه عنوان کردند. اما در حالت کلی درباره مشخصات پست‌مدرن و ویژگی‌های آن سخت بتوان به توافقی مسلم رسید. از این‌رو، اندیشه پست‌مدرن جهت‌گیری متوازنی ندارد و در زوایا و ابعاد متعددی در حرکت است. به همین دلیل ماهیت آن در متن مفاهیمش به غایت نسبی است؛ امری که چالش درونی تفکر پست‌مدرن را همواره با شک و تردید مواجه کرد. ورود تفکر پست‌مدرن به ایران نیز از این قاعده مستثنا نبود. مضاف بر این قاعده کلی، امری بومی و محلی یعنی آشفتنگی ترجمه در این سنت را نیز باید لحاظ کرد. عبدالکریم رشیدیان از جمله متفکرانی است که ضرورت متن صحیح و دقیق را در این حوزه احساس کرده و این سنت را در سال‌های اخیر به صورت کاملاً جدی مطرح کرد و تاکنون سه‌اثر مهم در این‌باره ترجمه و تألیف شده؛ در کنار آثاری که هر یک به شکل غیرمستقیم به این بحث مرتبط است؛ ترجمه کتاب‌های «پدیده‌شناسی» ژان لیوتار در سال۱۳۷۴ و «از مدرنیسم تا پست‌مدرنیسم» لارنس کپون در سال۱۳۸۱ و امسال نیز آخرین اثر تألیفی او «فرهنگ پسامدرن».	
از مدرنیسم تا پست‌مدرنیسم	
پست‌مدرنیسم چیست و به چه معناست؟ این صرفاً به معنای چیزی است که بعد از دوران مدرن می‌آید؟ اگر چنین است، چه چیزی؟ فلسفه، هنر یا دوران و اوضاع و احوال بعد از مدرنیته؟ لارنس کپون معتقد است؛ هیچ نظر واحدی در این‌باره وجود ندارد. در نظر بعضی پست‌مدرنیسم مترادف است با آخرین قرار از میراث سلال‌آور الاهیات، متافیزیک، اقتدارگرایی، استعمار، نژادپرستی و سلطه اروپای مدرن. در نظر بعضی دیگر، پست‌مدرنیسم معرف کوششی است از سوی روشنفکران ناراضی چپ‌گرا برای نابودساختن تمدن غربی. و در نظر بعضی دیگر بر چرسی است که برای جمع کودنی از نویسندگان مرموز و مبهم‌نوس که در حقیقت از چیزی سخن نمی‌گویند. به اعتقاد کپون هر سه این واکنش‌ها نادرست است. چون بقینا واژه «پست‌مدرن» نظیر هم‌رسان دیگری که کاربرد گسترده دارد به چنان انواع گوناگونی از پدیده‌های فکری، اجتماعی و هنری مرتبط بوده که می‌تواند به‌عنوان چیزی که به‌طرززی مایوس‌کننده مبهم و بوج است مورد استهزاء قرار گیرد. پس نباید دغدغه معنایی واحد و ماهوی داشته باشیم که قابل اطلاق به همه مصادیق این اصطلاح باشد؛ همان دغدغه‌ای که در فضای فکری ایران در مورد این اصطلاح به چشم می‌خورد. ترجمه کتاب لارنس کپون درست در چنین فضایی صورت گرفت. کتاب «از مدرنیسم تا پست‌مدرنیسم» مجموعه‌ای کامل و جامع از متون کلاسیک و معاصر مربوط به مدرنیسم و پست‌مدرنیسم است. این مجموعه با تکیه بر اینن فرض که مخاطبان این حوزه نمی‌توانند بدون شناختی قبلی از بسط و تکامل مدرنیته به ارزیابی پست‌مدرنیسم بپردازند مباحثه کنونی را در متن نقادی مدرنیته از قرن هفدهم به این‌سو قرار داده است. این کتاب به سه‌بخش تقسیم می‌شود: در بخش اول تمدن مدرن و منتقدان آن مطرح می‌شوند، در بخش دوم مدرنیته تحققیافته بررسی می‌شود و بخش سوم به پست‌مدرنیته و ارزیابی مجدد از مدرنیته اختصاص دارد. بنابراین خواننده ایرانی که در خاستگاه این دوره‌ها زیسته‌ست بلکه با واسطه و تأخیر با آنها تماس یافته، امکان می‌یابد به‌گونه‌ای اصیل‌تر با بحث‌ها و مناقشه‌های پرشور کنونی در این زمینه آشنا شود.	
نخستین فرهنگ‌نامه پسامدرن به فارسی	
«فرهنگ پسامدرن» محصول یک‌دهه کار پیوسته و گسسته برای پدید‌آوردن مجموعه‌ای است که وجه مهمی از دگرگونی‌های اندیشه معاصر را در حوزه‌های گوناگون، بازتاب می‌دهد. «فرهنگ پسامدرن» در مدخل‌های گوناگون خود مهم‌ترین چهره‌ها، نظریه‌ها، مفاهیم و اصطلاحات پسامدرن را معرفی می‌کند و دامنه این معرفی را به حوزه‌های متنوع فرهنگ و اندیشه همچون فلسفه، ادبیات و هنر، دانش‌های طبیعی و اجتماعی، دانش‌های محض، الهیات، اخلاق، سیاست، روش‌شناسی، ایدئولوژی، اندیشه اقتصادی و جنبش‌های نوظهور اجتماعی و فکری معاصر گسترش می‌دهد. ازهمین‌رو، مدخل‌های این فرهنگ که در عین فشردگی، پروای دقت و عمق نیز داشته، می‌تواند برای دانشجویان و پژوهشگران رشته‌های گوناگون سودمند باشد و به‌عنوان آغازی برای مطالعات جهت‌دارتر و ژرف‌تر به آنان خدمت کند. این کتاب می‌کوشد اندیشه‌های جدید را تا حد امکان در همه گوناگونی آن دنبال کند. از همین‌رو، توجه به مدخل‌های موجود در منابعی که برای تحریر این کتاب به کار رفته و با استفاده از بسیاری فرهنگ‌های دیگر حدود ۴۰۰عنوان تعیین شده که تا حدودی به دغدغه تنوع پاسخ می‌دهد. همچنین این کتاب متناسب با محیط، نه گزارش‌ی کلی بلکه همزمان پاسخی است به پرسش‌های مشخصی که درباره پدیده‌های نوظهور اندیشه معاصر شکل می‌گیرد.	

برشی از کتاب	
تبار پست‌مدرنیسم	
اصطلاح پست‌مدرن که به‌عنوان وجه ممیز عرصه معاصر از عرصه مدرن فهمیده می‌شود، ظاهراً اولین‌بار در ۱۹۱۷ به وسیله فیلسوف آلمانی ردولف هایپنوتس برای توصیف هیچ‌گرایی [نیهیلیسم] فرهنگ غربی قرن بیستم که مضمونی وام‌گرفته از نیچه بود به کار رفت. این واژه مجدداً در سال۱۹۳۴ در آثار منتقد ادبی اسپانیایی، فدریکو اونیس در اشاره به واکنشی علیه مدرنیسم ادبی مدرن؛ و توسط آرنولد توین‌بی در دو طریق بسیار متفاوت در انگلستان به کار گرفته شد؛ توسط برنارد آدینگرزبل مثاله برای به‌رسمیت‌شناختن شکست مدرنیسم دنیوی و بازگشت به مذهب؛ و توسط آرنولد توین‌بی مورخ برای اشاره به ظهور جامعه توده‌ای پس از جنگ جهانی اول که در آن طبقه کارگر اهمیتی بیش از طبقه سرمایه‌دار پیدا می‌کند. این اصطلاح سپس به نحو برجسته‌تری در نقد ادبی دهه‌های ۵۰ و ۶۰ قرن بیستم‌یادی برای اشاره به واکنش علیه مدرنیسم زیباشناختی و در دهه ۷۰ به همین منظور در معماری به کار رفت. کاربرد این اصطلاح در فلسفه به دهه ۸۰ برمی‌گرددکه اولاً برای اشاره به فلسفه فرانسوی پساساختارگرایی بود و ثانیاً برای دلالت بر واکنشی عمومی علیه عقل‌گرای مدرن، ناکجآبازدگرایی و آنچه «بنیان‌گرایی» نامیده می‌شد؛ یعنی کوشش برای استقرار مبانی معرفت و دآوری که مشغله فلسفه از رنه دکارت در قرن هفدهم و پس از آن بود (و به قول بعضی دیگر از زمان افلاطون). در عین حال، این اصطلاح در علوم اجتماعی برای دلالت بر رویکردی تازه به روش‌شناسی به کار رفت و حتی برای همین منظور، گرچه به گونه‌ای مناقشه‌برانگیزتر در علوم طبیعی به کار گرفته شد. این واژه مفهوم با مفهوم «پسا-صنعتی» پیوند یافته، مفهومی دال بر اینکه جوامع پیشرفته صنعتی در دوران پس از جنگ جهانی دوم خصلت اولیه صنعتی خود را عمیقاً دگرگون کرده‌اند. سرانجام این واژه از طریق روزنامه‌نگاری که آن را برای همه چیز و پدیده‌های راک گرفته تا اجتماع‌نگاری انجلیس، تا کل سبک و حال و هوای فرهنگی دهه ۹۰ به کار می‌برند توجه عموم مردم را به خود جلب کرد. باوجود افتراق در مورد استفاده واژه پست‌مدرن می‌توان نوعی اشتراک را در موارد زیر تشخیص داد: به رسمیت‌شناختن تکتگرایی و عدم‌تعیین در جهانی بودن، تفکر مدرن و مدرنیست آشکارا درصدد انکارشان بودند و نیجتاً دست‌شستن از امیدهای عقلی برای سادگی، کمال و یقین؛ تمرکز ی تازه بر بازنمایی یا بازسازی با اطلاعات یا نشانه‌های فرهنگی که موقعیتی غالب در حیات اجتماعی کسب می‌کنند؛ و نوعی پذیرش بازی و خیال‌پردازی در حوزه‌های فرهنگی که قیلا در پی دست‌یافتن به حقیقت جدی و واقع‌گرایانه بودند. این اشتراک یقیناً اشتراکی مبهم است برای دستیابی به وضوح بیشتر باید بر ظهور مشهورترین جریان پست‌مدرنیسم در فلسفه متمرکز شد. بخشی از کتاب «مدرنیسم تا پست‌مدرنیسم» اثر لارنس کپون.	



عکس: رونوف رستمی، شرق

فرهنگ خالی است. به عنوان مثال اگر مدخل‌هایی همچون «پست‌مدرنیسم و سیاست»، «پست‌مدرنیسم و نقاشی»، «پست‌مدرنیسم و سینما» و... در این فرهنگ می‌آمد، کتاب کامل‌تر می‌شد.» نوذری همچنین به فقدان مدخل مربوط به ادبیات پست‌مدرن در «فرهنگ پسامدرن» اشاره کرد و گفت: «مفهوم شعر پست‌مدرن بسیار چنجالی و تامل‌برانگیز است. همان‌طور که می‌دانید نخستین خاستگاه پست‌مدرنسم هنرها و ادبیات بوده است.» او ضمن اشاره به «جان اشبری» به عنوان یکی از تأثیرگذارترین شاعران بر شعر پست‌مدرن جای مدخلی به نام او و شعر پست‌مدرن را نیز خالی دانست. همچنین به فقدان مدخل‌هایی درباره رمان‌نویسان و شاعران و حتی سینماگران پست‌مدرن اشاره کرد و نیز نبود مدخل‌های مربوط به حوزه فرهنگ: «مفهوم فرهنگ یکی از بسترهای ظهور تفکر پسامدرن است. در این کتاب مدخل‌های ترکیبی با فرهنگ کار شده، اما به خود واژه و مفهوم فرهنگ توجهی نشده است.» نوذری در آخر ضمن گلایه از ناشر، نبود نمایه‌های موضوعی در این کتاب را ایرادی مهم مدخلی به فرهنگ‌نامه‌ها، text book دانست. مخاطبان معمولاً برای ارجاع به تحقیقات و مکتوبات خود سراغ این کتاب‌ها می‌روند و دلیلی ندارد که همه کتاب را مطالعه کنند. فرهنگ پسامدرن متأسفانه نمایه ندارد و ممکن است مخاطبان برای جست‌وجوی مدخل‌ها با مشکل مواجه شوند. البته این مساله اشکال نوبسنده نیست، بلکه اشکال ناشر است. امیدوارم در چاپ دوم کتاب این نقص برطرف شود.»

رشیدیان: آدم محتاطی هستم و نیاز مخاطب ایرانی را در نظر گرفتم

عبدالکریم رشیدیان در بخش پاسخ به نقدها و پیشنهادات مطرح‌شده، نخست از نقدی که بر فقدان مقدمه مفصل در این کتاب شده بود، آغاز کرد: «من خیلی نمی‌توانم مقدمه بنویسم. سعی می‌کنم مقدمه‌ای کوتاه از خود کتاب بنویسم. شاید بعدها عقیدام در این‌باره تغییر کند، اما تا امروز تلاشم بر آن بوده اگر کاری باید انجام دهم در خود کتاب منعکس شود.» او ضمن اینکه بذریقت جای بسیاری مدخل‌ها در این کتاب خالی است، افزود: «نگارش فرهنگ‌هایی همچون فرهنگ پسامدرن کار یک نفر نیست و باید به صورت تیمی آنها را تهیه و تدوین کرد، چراکه یک نفر همه دانش‌ها را ندارد. بنابراین شاید جای خالی بسیاری از مداخل در این فرهنگ به چشم بیاید. در ۱۰ اسالی که صرف نگارش این کتاب کردم همین تعداد مدخل را توانستم در این کتاب جمع‌آوری کنم.» او در ادامه ضمن تکرار تعبیر مسعود علیا افزود: «فرهنگ پسامدرن برای من کتابی در فرآیند است؛ یعنی به‌هیچ عنوان این کتاب را تمام‌شده نمی‌دانم و تمام تلاشم را می‌کنم تا در چاپ‌های بعدی مدخل‌های آن به‌روز شود. عجلاتاً من بیش از این فرصت نداشتم، یعنی بهتر است بگویم تلاش را نداشتم. پس از اتمام و انتشار کتاب هم به مفاهیمی دیگر در حوزه تفکر پسامدرن برخورد‌دم و همچنان مشغول جمع‌آوری مدخل هستم.»

رشیدیان با اشاره به مدت زمانی که صرف نگارش و جمع‌آوری «فرهنگ پسامدرن» کرده، گفت: «دوین و نگارش این فرهنگ از سال۸۲ آغاز شد و تا امروز طول کشید. مقوله پست‌مدرنیسم آنقدر گسترده است که واقعاً نمی‌توان به همه مدخل‌های آن پرداخت. همچنین باید اشاره کنم که کار روی این کتاب برای من یک دوره آموزشی بزرگ بود و بسیاری از مفاهیم را ابتدا آموزش دیده و سپس مدخلش را نوشتم.» اما رشیدیان ضمن پذیرش کافی نبودن برخی مدخل‌های این کتاب، تأکید داشت از نگارش برخی مدخل‌های مربوط به فیلسوفان، آگاهانه اجتناب کرده است: «به دلیل محدودیت‌هایی که در کلی‌نشدن مدخل‌های کتاب داشتم، ناچار شدم به گزینشی حداقلی دست بزنم و از نگارش مداخلی درباره فیلسوفانی که در ایران زیاد تکرار شده‌اند، آگاهانه اجتناب کردم تا بتوانم به طرح نام فیلسوفانی بپردازم که تاکنون کمتر در ایران مطرح شده‌اند و همچنین ربط مستقیمی به مسایل پست‌مدرن دارند. به‌عنوان مثال در این فرهنگ شما نامی از هایدگر و نیچه نمی‌بینید که تأثیر بسیاری بر منظومه فکری پست‌مدرنیست‌ها و همین‌طور فلسفه پسامدرن داشته‌اند. او در ادامه همین دلیل را برای فقدان مدخل برخی مفاهیم نیز به کار برد: «به همین دلیل از مدخل‌های کلی نظیر مدخل «روایت» آگاهانه اجتناب کردم. این محدودیت‌ها باعث شد تا من از طرح برخی مفاهیم کلی اجتناب و سعی کردم آنها را در خاستگاه و بستر اصلی خودشان مطرح کنم. از این‌رو، شما در این کتاب مدخل‌های کلی چه در اسامی و چه در مفاهیم کمتر می‌بینید.»

رشیدیان در پاسخ به نبود وحدت رویه در ارتباط برخی مدخل‌ها با امر پست‌مدرنیست گفت: «من آدم محتاطی هستم. تنها در مدخل‌هایی که مطمئن بودم، ارتباط مستقیم آنها را با امر پست‌مدرن نشان داده‌ام. اگر در برخی مدخل‌ها این کاستی را می‌بینید، به حساب احتیاط من بگذارید.» او در پاسخ به شیوه ذکر منابع در این کتاب با اشاره به نمونه‌های مشابه خارجی تأکید کرد در تمام فرهنگ‌نامه‌ها این مساله وجود دارد: «من در این کار چندان حضور فیزیکی ندارم. تقریباً هیچ چیز بی‌مدخلی در این کتاب وجود ندارد. بنابراین خیال‌تان راحت باشد اگر خطایی هم وجود داشته باشد، چندان دلبخواه نیست.» رشیدیان همچنین در پاسخ به ابهام در برخی معادل‌ها گفت: «انتخاب برخی از معادل‌ها را باز به حساب احتیاط من بگذارید. مثلاً معادلی که من برای community انتخاب می‌کنم، جماعت است. با توجه به زمینه کار مثلاً در متن یک فیلسوف خاص، انتخاب معادل‌ها قطعی و مشخص است اما در یک چنین کاری تفکیک‌ها به این شد وجود ندارد و انتخاب‌ها بسیار دشوار می‌شوند.» رشیدیان در ادامه درباره طبقه‌بندی و رده‌بندی موضوعی مدخل‌ها تأکید کرد؛ در هیچ فرهنگ لغت دیگری چنین تفکیکی صورت نگرفته و اگر من این کار را انجام می‌دادم، نوعی بدعت‌گذاری بود: «آنچه در نگارش و تدوین این مدخل‌ها در نظر گرفتم، در گام نخست نیاز مخاطب ایرانی و حفظ تنوع در کار بود. با بسیاری از نقدهایی که مطرح شد، موافقم. اما در نظر بگیرید فرهنگ‌نامه مشابهی نظیر «راتلج» توسط ۱۵۰نفر متخصص نوشته شده که شورای ویراستاری آن ۲۰نفرند.»

این فرهنگ در پیش گرفته، مخاطب را در انتظار برخی مدخل‌ها می‌گذارد که البته در ادامه کار مطرح نمی‌شود. به‌عنوان مثال به نظر در فرهنگ پسامدرن جای مدخل‌های «بدن» و «روایت» و همچنین مدخلی درباره هایدگر خالی است. چرا مثلاً مدخل جان دیویی در این کتاب حضور دارد اما نیچه یا هایدگر نه؟ شاید مقدمه‌ای مفصل‌تر از آنچه در این کتاب وجود دارد، می‌توانست به این پرسش‌های ما کمک کند.» علیا در ادامه درباره اهمیت مفاهیم بدن یا روایت گفت: «مفهوم بدن و در ادامه مفاهیم و واژگان وابسته به آن در اندیشه پسامدرن اهمیت بسیاری دارد. همچنین مفهوم روایت به عنوان یکی از کلیدواژه‌های اصلی فلسفه‌های پست‌مدرن مطرح است. اگرچه رشیدیان در این فرهنگ مدخلی با عنوان کلان‌روایت مطرح کرده، اما به گمانم باید روایت به صورت یک مدخل جداگانه نوشته می‌شد. البته او در مقدمه اشاره کرده نیاز مخاطب ایرانی را مدنظر داشته ولی شاید بهتر بود این انتخاب‌ها بیشتر توضیح داده می‌شد.» علیا نسبت به شکل ارتباط مدخل‌ها با امر پسامدرن نیز نکته‌ای وارد دانست: «در بسیاری از مدخل‌ها چه ناظر به متفکر و چه مفهوم، نسبت آنها با امر پست‌مدرن شرح داده شده اما این وحدت رویه در کل مدخل‌ها دیده نمی‌شود.» او نسبت به ارجاعات درون‌متنی نیز پیشنهادی داشت: «در مدخل‌هایی از این دست به‌ویژه در حوزه پست‌مدرن با توجه به بحث بینامتنیت که یکی از ویژگی‌های امر پسامدرن است، جا داشت در انتهای هر یک از مدخل‌ها ارجاعات درون‌متنی نیز صورت گیرد.» او همچنین در ادامه نسبت به شیوه ذکر منابع در این کتاب انتقاد کرد: «رشیدیان برای نگارش این فرهنگ تقریباً همه منابع مربوط به پست‌مدرنیسم در همه زبان‌ها را مطالعه کرده. شاید دست‌کم بهتر بود به عمده فرهنگ‌هایی که مبنای کار ایشان بوده اشاره می‌شد. چون در بعضی مدخل‌ها روشن نیست، سخن خود رشیدیان است یا اقتباسی از نظرات دیگران. همچنین ذکر منابع و فرهنگ‌ها به درک خاستگاه و مواجهه با بسیاری از این مفاهیم کمک می‌کند.» علیا به معادل برخی مفاهیم در این کتاب نیز نقد داشت. به‌عنوان مثال او به community و society اشاره می‌کند که برای هر دو معادل «جامعه» در نظر گرفته شده است اما: «بیشتر از این منظر به این نکات اشاره کردم که بتوان به این کتاب باارزش به چشم موجود زنده به آن نگاه کرد. تمام مواردی که عنوان شد، تنها در اصل پیشنهاداتی برای ویراست‌های بعدی بود، اگرچه همین نسخه‌ای که امروز در دست ماست، بسیار باارزش است.»

←	→	↑	↓
عبدالکریم رشیدیان: «فرهنگ پسامدرن» برای من کتابی در فرآیند است؛ یعنی به هیچ عنوان این کتاب را تمام‌شده نمی‌دانم و تمام تلاشم را می‌کنم تا در چاپ‌های بعدی مدخل‌های آن به‌روز شود. عجلاتاً من بیش از این فرصت نداشتم، یعنی بهتر است بگویم تلاش را نداشتم. پس از اتمام و انتشار کتاب هم به مفاهیمی دیگر در حوزه تفکر پسامدرن برخورد‌دم و همچنان مشغول جمع‌آوری مدخل هستم.»			

حسینعلی نوذری: آثار رشیدیان اعتبار گفتمان پسامدرن در ایران است

حسینعلی نوذری حوزهٔ تفکر و نظریه پسامدرن را حوزه‌ای پیچیده و پرجالش و سراسر مناقشه‌برانگیز دانست؛ چه نزد منتقدان و چه نزد نظریه‌پردازان و شارحان این حوزه. به همین دلیل در نظر او، پست‌مدرن‌ها نیز همچون هر جریان نوپای دیگری به‌دنبال استقلال و اعتبار را به معنای دقیق کلمه برای حوزه خود بوده‌اند. او ضمن اشاره به ماهیت پست‌مدرنیسم که در بطن خود مفاهیم بنیان‌براندازانه دارد، تأکید داشت «مخاطبان حق دارند دچار چالش‌هایی دورنی با تفکر پسامدرن شوند و نسبت به آن شک و تردید داشته باشند. با این اوصاف حضور متفکران برجسته پست‌مدرن باعث اعتبار نظری پسامدرن و برطرف‌شدن نگاه تردیدآمیز مخاطبان به آن شده است.» نوذری در ادامه به ورود تفکر پسامدرن در ایران اشاره کرد و گفت: «ورود گفتمان پسامدرن به جوامع فلسفی ایران نیز با شک‌وتردیدهای بسیاری روبه‌رو شد، اما حضور افرادی همچون عبدالکریم رشیدیان باعث اعتبار این گفتمان شد و به تبیین این مساله در ایران بسیار کمک کرد. رشیدیان با ترجمه کتاب «متن‌های برگزیده از مدرنیسم تا پست‌مدرنیسم» لارنس کپون و «پدیده‌شناسی» ژان لیوتار، باعث شد پست‌مدرنیسم در ایران به صورت کاملاً جدی مطرح شود.» او جایگاه رشیدیان را در مباحث پست‌مدرن ایرانی مهم خواند: «در حوزه تفکر پست‌مدرن تلاش بسیاری شد تا اندیشمندانی که مدارج عالی اکادمیک دارند، به این مبحث جذب و باعث اعتبار آن شوند.» نوذری حضور افرادی همچون رشیدیان در فضای فکری ایران را دال بر این معنا دانست که آنها نه از سر تقفن یا کسب اعتبار یا بازاری‌پسندی بلکه از سر دغدغه حقیقی تفکر به ما نشان دادند حوزه پسامدرن به‌مثابه یک گفتمان با جریان فکری یا یک وضعیت برای ما نیز مسایل درخور تامل دارد و اهمیت کتاب «فرهنگ پسامدرن» را نیز باید در همین راستا دانست. نوذری در ادامه نقد خود را بر مدخل‌های مطرح‌شده در این کتاب مطرح کرد: «مدخل‌های این کتاب دو دسته هستند؛ اسامی و مفاهیم. اگر مدخل‌ها بر اساس رده‌بندی‌های موضوعی طبقه‌بندی می‌شد به‌نظم کار مخاطب در ارجاعات درون‌متنی راحت‌تر می‌شد. همچنین نسبت تعداد مدخل‌های اسامی به مدخل‌های مفاهیم، نسبت متعادل نیست و مدخل‌های اسامی بیشتر است. در فلسفه پست‌مدرن نیز مفاهیم اهمیت بیشتری نسبت به اسامی نظریه‌پردازان دارد. مخاطبان کتاب نیز تا مفاهیم را درنیابند، به مطالعه مدخل‌های مربوط به شخصیت‌ها نمی‌پردازند. هرچند به‌نظم، اسامی برخی شخصیت‌های مهم چون هایدگر و نیچه نیز در این فرهنگ جا افتاده است.» بر این اساس، نوذری نقد خود را چنین طرح کرد: «جای برخی مفاهیم ترکیبی در حوزه تفکر پسامدرن، از جمله مدخل‌هایی که به «پست‌مدرنیسم و...» اختصاص دارد، نیز در این

سهند ستاری: کتاب تازه منتشرشده «فرهنگ پسامدرن» روز چهارشنبه، ۱۷ادی‌ماه با حضور مولف کتاب عبدالکریم رشیدیان در اندیشگاه فرهنگی کتابخانه ملی رونمایی شد. در این جلسه حسینعلی نوذری و مسعود علیا پس از توضیحات مفصل ناصر مهدوی درباره نشست‌های کتابخانه ملی و مسایل مختلف و البته پس از تعارفات مرسوم و بازنمایی جایگاه علمی استاد رشیدیان، پیشنهادهای دقیقی درباره کتاب مطرح کردند. برخلاف انتظاری که از این دست جلسات می‌رود، سخنرانان جلسه صمیمانه نقدهای جدی خود را مطرح کردند و اندیشه پسامدرن اهمیت بسیاری دارد. همچنین مفهوم روایت به عنوان یکی از کلیدواژه‌های اصلی فلسفه‌های پست‌مدرن مطرح است. اگرچه رشیدیان در این فرهنگ مدخلی با عنوان کلان‌روایت مطرح کرده، اما به گمانم باید روایت به صورت یک مدخل جداگانه نوشته می‌شد. البته او در مقدمه اشاره کرده نیاز مخاطب ایرانی را مدنظر داشته ولی شاید بهتر بود این انتخاب‌ها بیشتر توضیح داده می‌شد.» علیا نسبت به شکل ارتباط مدخل‌ها با امر پسامدرن نیز نکته‌ای وارد دانست: «در بسیاری از مدخل‌ها چه ناظر به متفکر و چه مفهوم، نسبت آنها با امر پست‌مدرن شرح داده شده اما این وحدت رویه در کل مدخل‌ها دیده نمی‌شود.» او نسبت به ارجاعات درون‌متنی نیز پیشنهادی داشت: «در مدخل‌هایی از این دست به‌ویژه در حوزه پست‌مدرن با توجه به بحث بینامتنیت که یکی از ویژگی‌های امر پسامدرن است، جا داشت در انتهای هر یک از مدخل‌ها ارجاعات درون‌متنی نیز صورت گیرد.» او همچنین در ادامه نسبت به شیوه ذکر منابع در این کتاب انتقاد کرد: «رشیدیان برای نگارش این فرهنگ تقریباً همه منابع مربوط به پست‌مدرنیسم در همه زبان‌ها را مطالعه کرده. شاید دست‌کم بهتر بود به عمده فرهنگ‌هایی که مبنای کار ایشان بوده اشاره می‌شد. چون در بعضی مدخل‌ها روشن نیست، سخن خود رشیدیان است یا اقتباسی از نظرات دیگران. همچنین ذکر منابع و فرهنگ‌ها به درک خاستگاه و مواجهه با بسیاری از این مفاهیم کمک می‌کند.» علیا به معادل برخی مفاهیم در این کتاب نیز نقد داشت. به‌عنوان مثال او به community و society اشاره می‌کند که برای هر دو معادل «جامعه» در نظر گرفته شده است اما: «بیشتر از این منظر به این نکات اشاره کردم که بتوان به این کتاب باارزش به چشم موجود زنده به آن نگاه کرد. تمام مواردی که عنوان شد، تنها در اصل پیشنهاداتی برای ویراست‌های بعدی بود، اگرچه همین نسخه‌ای که امروز در دست ماست، بسیار باارزش است.»

مسعود علیا: رشیدیان همواره نیازهای فضای عمومی را رصد می‌کند

مسعود علیا پیش از آنکه به خود کتاب بپردازد نخست درباره عبدالکریم رشیدیان و نقش و جایگاه او در زیست جهان ما گفت: «در کارنامه رشیدیان، چه آثار تألیفی و چه ترجمه، ویژگی بارزی وجود دارد. او در انتخاب آثاری که برای ترجمه برگزیده به متن خود فیلسوفان بسیار نظر داشته.» علیا در ادامه تلویحاً رشیدیان را آستانه‌نشین (outsider) اکادمی معرفی کرد و کوشید این امر را در متن آثارش نشان دهد: «رشیدیان اگرچه فضای اصلی کار خود را اکادمی انتخاب کرده و ای‌بسا ایشان را در پیش‌زمینه فضای عمومی نبینیم، شخصیتی است که در عین ضرورت کار اکادمیک جدی، همیشه به فضای عمومی نظر داشته است. این مساله را حتی در نوع آثار او هم می‌توان دید که چگونه و با دقت نیازهای عرصه عمومی را رصد کرده است.» علیا با اشاره به ترجمه آثاری از کی‌بر کلور، لایب‌نیتس، کانت، هوسرل، هایدگر، جیمز و... معتقد بود؛ رشیدیان همواره در ترجمه متون کوشیده مواجهه مخاطبان را با فیلسوفان در متن آثارشان ممکن کند و او را در حوزه پدیدارشناسی برای مخاطبان ایرانی یگانه توصیف کرد: «رشیدیان در سه زاویه، پدیدارشناسی را به مخاطبان فارسی‌زبان معرفی کرده؛ نخست، برگردان متون مهم و جدی از جمله کتاب‌های تاملات دکارتی هوسرل، پدیده‌شناسی لیوتار، ایده پدیده‌شناسی هوسرل و کتاب تألیفی هوسرل در متن آثارش. دوم، برنامه‌ای جدی برای تربیت دانشجویانی در این زمینه که می‌توان بازتاب این مساله را در ارایه پایان‌نامه‌هایی که در این‌باره نوشته شده، دید و سوم، تلاش برای شکل‌گیری سنت پدیدارشناسی در ایران.» مسعود علیا در ادامه، این کتاب را اثری بزرگ و ماندگار توصیف کرد و تأکید داشت باید سر تعظیم در برابر چنین اثری فرود آورد. به باور او «نگارش چنین متنی با حدود ۲۰۰مدخل، همت و دانش عظیمی می‌طلبد و رشیدیان یکت‌به با تعهد و مسوولیت‌شناسی عمیق نسبت به فرهنگ سراغ چنین موضوعی رفته است.» علیا این کتاب را با نمونه‌های مشابه خارجی مقایسه کرد: «اغلب فرهنگ‌ها در نظام اکادمیک غربی به دست گروهی از محققان و اندیشمندان نوشته شده و توسط گروهی دیگر بارها مورد ویرایش و تصحیح قرار می‌گیرد و در نهایت به‌صورت یک کار جمعی ارایه می‌شود. رشیدیان با تعهدی مثال‌زدنی در این موقعیت بفرنج مادی و معنوی به کار نگارش این فرهنگ پرداخته است.» او در ادامه تأکید داشت نباید کار این کتاب را با چاپ و عرضه‌اش تمام‌شده دانست: «آثاری از این دست به‌ویژه در قالب فرهنگ، آثاری نیستند که یک‌بار برای همیشه انجام شود. ما باید چنین کتابی را کتابی در فرآیند بدانیم.» علیا در ادامه با اشاره به حضور تفکر پسامدرن در فضای فلسفی ایران گفت: «برای مخاطبان ایرانی رشیدیان نخستین مطرح‌کننده برخی جنبش‌ها و مفاهیم است. ما در ایران درست یا نادرست، به‌هنگام یا نابهنگام، با مقوله پست‌مدرنیسم برخورد‌هایی داشته‌ایم، اما معمولاً این برخورد‌ها درست و اصولی نبوده است. بخشی از این برداشت‌ها به ترجمه نادرست متون و برخی نیز به فضای مزدگی در عرصه فلسفه بر می‌گردد.» او این کتاب را مهم دانست چون «رشیدیان با نگاه به مجموعه این فضا تصمیم به نوشتن متنی گرفته که پانسخجویی این نیاز باشد. در کتاب حاضر به دلیل طرح درست و علمی فلسفه پست‌مدرن و مفاهیم وابسته به آن، نسبت فضاهای فکری و فلسفی ایران با پست‌مدرنیسم مشخص می‌شود. رشیدیان با این کتاب برای ما زمین را آماده و هموار می‌کند تا بتوانیم عمارت خود را روی آن بنا کنیم یا حداقل در آن تکیاوب داشته باشیم.» علیا در ادامه ضمن اشاره به برخی مدخل‌های مهم که برای عموم می‌تواند مهم و در عین حال جدید باشد به مدخل‌هایی از جمله «مساله‌شناسی» و نظایر آن اشاره کرد: «رشیدیان در این فرهنگ، چیدمان مبحث پسامدرن را به درستی عرضه می‌کند و جغرافیای مباحث پسامدرن را برای مخاطب ایرانی فراهم می‌کند.» علیا نقد خود را از اصرار رشیدیان بر مقدمه‌نوشتن بر آثارش و خصوصاً این کتاب شروع کرد: «جای بخش مهمی در این کتاب خالی است که اگر می‌بود این کتاب را برپارتر از این می‌کرد و این فقدان مقدمه‌ای مفصل است. انتظار می‌رفت مفهوم پسامدرن که برای ما مایشک با الهه‌ای از ابهام و کلیشه و عدم تعین قرین بوده در مقدمه این کتاب از منظر خود رشیدیان بیشتر توضیح داده می‌شد. توضیح درباره انتخاب مدخل‌ها و مفهوم پست‌مدرن و پست‌مدرنیسم در مقدمه‌ای مفصل کمک می‌کرد جغرافیای مفهومی این کتاب برای مخاطب روشن‌تر شود. چون در عین اینکه تک‌تک مدخل‌های این کتاب بصیرت‌بخش است، این سوال مطرح است که چرا جای برخی مدخل‌ها خالی است.» علیا با اشاره به اینکه هر فرهنگی حدودی دارد و نمی‌توان از فرهنگ‌ها انتظار طرح همه مدخل‌ها را داشت، افزود: «رویکردی که خود رشیدیان برای نگارش